

ذیلی بر ویراست موشه پرلمان بر تنقیح الابحاث

ابن کومونه

دکتر علینقی منزوی

اشاره

آقای موشه پرلمان برای اولین بار دست به چاپ کتاب تنقیح الابحاث می‌زند و آن را در سال ۱۹۶۷ با مقدمه انگلیسی از سوی دانشگاه کالیفرنیا منتشر می‌کند. یادداشت ذیل توضیح نقدگونه دکتر علینقی منزوی بر این چاپ است که در سال ۱۳۴۸ در مجله وحید، سال ششم به چاپ رسیده است.

گرچه من از سال ۱۹۶۴ م به فکر چاپ این رساله منسوب به ابن کومونه می‌بودم، و به سال ۱۹۶۶ م رسماً چاپ آن را به دانشگاه یسوعیه بیروت پیشنهاد نمودم، لیکن هیچ‌گاه وجدانم با انتساب این کتاب به این مؤلف موافق نبود و دنبال ادله تأیید یا رد می‌گشتم تا بالاخره خوشبختانه آقای موشه پرلمان، آن را در دانشگاه کالیفرنیا با یک پیشگفتار کوتاه به انگلیسی چاپ نمود، و گناه انتساب این وصله ناجور با دیگر مؤلفات ابن کومونه را به این مرد، از دوش من برداشت.

در مقدمه باید بگویم که اولاً، من صد در صد منکر چنین نسبتی نیستم، گمان دارم ابن کومونه را در تألیف آن دستی بوده و راهنمایی کرده و شاید برخی بخش‌هایش نیز به املائی او و نوشته یک یهودی باشد؛ ثانیاً، نمی‌خواهم برخلاف نظر چاپ‌کنندگان محترم رساله تنقیح افتخار یهود بودن او را از ایشان سلب





موشه پرلمان

نمایم و او را مسلمان جلوه دهیم. چون من این کمونه را یک فیلسوف می‌شمارم و نه یک یهودی یا مسلمان. اگر قصد از تأکید انتساب این کتاب به این کمونه، یهودی جلوه دادن او باشد، این انتساب خود مشکوک است. همان گونه که ما قرن‌ها کوشیدیم او را مسلمان و حتی شیعه جلوه دهیم، اکنون عده‌ای در صدد برآمدنند که وی را با هزار و یک دلیل یهودی جلوه دهند، و این هر دو نادرست است. اینک من ترجمه بخشی از مقدمه‌ای که آقای موشه پرلمان برای این کتاب نوشته‌اند، را در اختیار خوانندگان محترم می‌نهم، و سپس نظریات خود را در دنباله آن بیان می‌نمایم.

آقای پرلمان پس از مقدمه بسیار مختصر درباره دوره مغول به معرفی نسخه‌هایی که در چاپ مورد استفاده ایشان قرار گرفته است پرداخته و می‌گوید: در سده پیشین آقای موریتس اشتاین شنايدر متوجه شد که تنقیح الابحاث یک سند مهم جدلی بین مذاهب در قرون وسطی در زبان عربی است، و سودمندترین خلاصه در رشته ادبیات می‌باشد.^۱

دیوید اچ بانث در یک بررسی دقیق از کتاب می‌گوید: «نوشته‌های این کمونه سندیت استثنایی و مهمی در استنتاجات عقلی قرون وسطی داشته است.»^۲

صرف نظر از شواهدی که این متتبعان آورده‌اند، بخشی از فصل راجع به یهود او نیز به وسیله لوهیرشفیلد چاپ شده است.^۳

نسخه حاضر (مقصود چاپ پرلمان است) بر پایه پنج نسخه نهاده شده که دو نسخه آن به خط عبری می‌باشد، و نویسنده نسخه دیگر مصدر مسیحی دارد.

کهن‌ترین این پنج نسخه، از آن مجلس در تهران است^۴ که در یک مجموعه همراه رساله سموئیل مغربی، افحام الیهود^۵، می‌باشد که یک قرن پیشتر از آن نوشته شده است؛ و سپس یک نامه فلسفی است از این کمونه به پسرش. این مجموعه بسیار فرسوده است، و تنقیح در صد و ده صفحه^{۱۹} سطری از آن به خط فارسی (نستعلیق) است. از پایان رساله سموئیل برمی‌آید که این مجموعه در نزدیک شیراز در ۶۸۵هـ ق (۱۲۸۶م) نوشته شده است. یک جلد از مقالات این کمونه با خطهای گوناگون بر صفحه‌های باریک در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است که نزدیکی قابل ملاحظه‌ای با نسخه تهران دارد، و در نقطه‌گذاری آن اهمال گردیده، و به تاریخ ۶۹۶هـ ق (۱۲۹۷م) در مدرسه نوریه موصل تهیه شده است.^۶

نسخه کتابخانه انگلیکان رم به خط خوش در ۷۵۵هـ ق (۱۳۵۴م) نوشته شده است. هم نویسنده و هم حاشیه‌نگار مسیحی آن در ماردین می‌زیسته‌اند.^۷

نسخه عبری نویسنده برلین، که به سال ۱۶۵۲ سلوکی/۱۳۴۷م نوشته شده، نیز از ماردین بدان جا آمده است. این نسخه با نسخه منحصر بفرد مقاله مؤلف در قرن میان ربانیان و قرائیان یهود که تاریخ ۶۷۹هـ ق/۲۸۰م دارد، در یک مجلد است.^۸

دومین نسخه عبری نویسنده در کتابخانه بادلیان آکسفورد است، و یک تملک ۱۶۶۴م/۱۳۵۳هـ ق بر آن هست. چند برگ افتاده دارد، و با خطهای گوناگون نوشته شده است.^۹ قابل توجه است که در نسخه‌های عبری نویسنده این کتاب نیز فرمول ستایش پیغمبر اسلام در دیباچه، به صورت معمولی آمده است. شاید که مؤلف آن را برای مسلمان‌نمایی نوشته باشد، و معقول‌تر آن است که نویسندگان مسلمان در آن دست برده باشند. و این هنگامی امکان دارد که بگوییم نسخه‌های عبری نویسنده از روی نسخه عربی نویسنده نوشته شده‌اند. ممکن است مقصود از «رسوله المصطفی» مفهوم عام باشد که یهودیان آن را به موسی و مسلمانان به حضرت محمد(ص) بازگردانند.

دی - اچ. بانث حدس می‌زند که مؤلف با بکار بردن ثنای مسلمانی، خواسته راه را برای انتشار آن در میان خوانندگان باز کند، و هم این روش لایق یک فیلسوف می‌باشد که اگر همه ادیان را در حقانیت همانند نداند، لاف‌ها را در مشیت خداوند و به عنایت الهی بودن یکسان می‌داند.

این بود بخشی از مقدمه آقای پرلمان بر تنقیح الابحاث که برای تکمیل اطلاعات راجع به این کتاب، ترجمه نمودم. اینک نظر این جانب:

مدرسه الحکماء عربیة اسلامیة

در حقیقت آقای پرلمان با چاپ این رساله خدمتی به سزا به تاریخ فلسفه نموده است. به ویژه که تألیف این رساله در شرایط به خصوصی فاش از سقوط بغداد به دست مغولها و انقراض حکومت عباسی انجام شده، و تألیف آن به کسی نسبت داده شده که عمری به مسلمانی شهرت داشته و چندین کتاب طبق اصول مسلمانی تألیف کرده است. ولیکن از ذکر چند نکته نباید چشم پوشید:

۱. اینکه ایشان نسخه مجلس را کهن‌ترین نسخه دانسته است، نادرست می‌باشد. نسخه ۵۹۳ش مجلس در قرن یازدهم نوشته شده است. در پایان یکی از رسایل آن آمده: «و قدتم السویدة فی شهر صفر سنه ستین و الف من الهجرة» و تاریخ ۶۸۵هـ-ق که در پایان رساله افحاح در مجموعه دیده می‌شود، تاریخ نسخه محمودبن مسعود شیرازی (و شاید قطب شیرازی م ۷۱۰هـ-ق) است که نسخه مجلس از روی آن - یا مستقیماً یا به واسطه - استنتاج گردیده است.

۲. این که مرقوم داشته‌اند "سومین رساله مجموعه مجلس نامهای فلسفی از ابن کمونه است به پسرش"، این نیز نادرست است و از ابن کمونه نیست، بلکه از شهرستانی است.

۳. بحثی که درباره حمد و ثنای دیباچه دارند کاملاً درست است و همین موضوع یکی از اشکالات نسبت این کتاب را به ابن کمونه به وجود می‌آورد. چون وی در تمام کتابهای بزرگ و معروف خویش الکاشفه اللغه، المطالب المهمه، درود بر محمد(ص) و آل او را به صراحت می‌آورد و نام خویش را نیز همه جا تصریح کرده است و اگر این رساله از او جدا باشد، تنها جایی است که به این شیوه دست زده، و شاید چون آن را با دلگرمی بیشتر و اتکای قوی‌تر بر یهود نگاشته است چنین رفتار کرده و خواسته باشد که هر دو گروه را راضی نماید.

۴. خرده دیگر که می‌توان بر کار ایشان گرفت، تصحیح زیادی است. رساله تنقیح دارای عبارات و جملاتی است که با قواعد دستوری زبان عرب درست نمی‌آید. و این حتماً از خود مؤلف است که کتاب را به لهجه عربی متداول میان یهود و خاصه در سوریه و فلسطین نگاشته است؛ مثلاً او در همه جا «ه» ضمیر سوم شخص را که به صورت «ی» تلفظ می‌شود همان‌گونه نوشته است چنان که «رونقه» را «رونقی» و «مثله» را «مثلی» نوشته است. اما آقای مصحح همه اینها را به صورت عربی فصیح برگردانیده‌اند، و شاید خواسته‌اند لهجه کتاب را به اسلوب دیگر مؤلفات ابن کمونه نزدیک سازند.

پی‌نوشت‌ها

1. Steinschneider, Arabische Übersetzungen aus dem Griechischen, See index S.V. Saad, also his Die arabische Literatur der Juden (furt Frank: 1902), P.
2. In Monatsschrift fuer Geschichte und Wissenschaft des Judentums, vol 69 (1905), p.p. 295-311.
3. Sa`d B. Mansur Ibn Kammuna und sein Polemischer Schrif (Berlin: 1893).
4. فهرست یوسف اختصاصی، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ج ۲، ص ۵۹۳. و نیز مجله المکتبه بغداد، ج ۳، ش ۲، سال ۱۹۶۴، ص ۲۸ یاد شده که نسخه رونویس از این نسخه اکنون در تملک دکتر حسین علی محفوظ در کاظمین می‌باشد.
5. Proceedings of American academy for. Jewish research, VOL. XXXII Ed. M. perlmann (New york: 1964).
- ۶ نشانی این نسخه را پرفسور اچ. ریتر به اینجانب (موشه پرلمان) داد. و شماره ۱۳۴۱ فاتح دارد.
7. [ign. Guidi] Catalogo dei codici orientali della Biblioteca Angelica di Roma (Florence: 1878), PP. 64-66
8. M. Steinschneider Verzeichniss der hebraeischen Handschriften der K. Bibliothek Zu Berlin (Berlin: 1897), I, 74-77. The library of A. S. Yahuda had a copy made from this MS.
9. A. Neubauer, catalogue of the Hebrew munscripits in the Bodleian library (oxford: 1886), Col. 423 F, No. 1281.

